

# فرزانگان نراق

## پرویز رستگار

تهیه چراغی برای مطالعه، ناتوان بود و ناگزیر، از نور چراغ

۱. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش، ج ۱۳، ص ۱۹۸۰۸ و محمد معین، فرهنگ فارسی (اعلام)، چاپ پنجم، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش، ج ۶، ص ۲۱۱۳.

۲. شرح حال نگاران درباره نام او، هماهنگ نیستند؛ گروهی وی را «مهدی» نامیده‌اند. (ر.ک: محسن امین، اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، بی‌جا، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۱۴۳؛ محمدباقر موسوی خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، بی‌جا، تهران، کتابفروشی اسماعیلیان، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۵ و ج ۷، ص ۲۰۰؛ میرزا محمد تنکابنی، قصص العلماء، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۶۴ ش، ص ۲۰۲؛ خیرالدین زرکلی، الاهلام، چاپ دهم، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۲۶۰ و ج ۷، ص ۳۱۳؛ علی دوانی، وحیدبهبهانی، چاپ دوم، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۰۷ و محمد معین، همان، و برخی دیگر، «محمد مهدی» (ر.ک: میرزا محمد تنکابنی، همان، ص ۱۳۲). عده‌ای نیز در این باره، تردید کرده‌اند (ر.ک: علی اکبر دهخدا، همان؛ محسن امین، همان، ج ۳، ص ۱۸۳ و میرزا محمدعلی مدرس، ریحانة الادب، چاپ دوم، تبریز، کتابفروشی خیام، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۶۰ و ۱۶۴)، با آن که فرزندان نامدارش حاج ملا احمد، پدر خود را در مقدمه کتابش معراج السعاده و نیز در یکی از اجازات خود، «محمد مهدی» نامیده است (ر.ک: محسن امین، همان، ج ۱۰، ص ۱۴۳؛ محمدباقر موسوی خوانساری، همان، ج ۷، ص ۲۰۱ و حاج ملا احمد نراقی، معراج السعاده، بی‌جا، تهران، انتشارات رشیدی، بی‌تا، ص ۱۲).

۳. مدت تحصیل وی را نزد ملا اسماعیل خاجویی، سی سال دانسته‌اند (ر.ک: میرزا محمد تنکابنی، همان، ص ۱۴۲).

در ۱۵ کیلومتری شمال خاوری دلجان- از توابع شهرستان محلات- یکی از قصبات قدیمی کشور ما قرار دارد که پیش از این، از اهمیت بیش تری برخوردار بوده است؛ نقطه ای کوهستانی و سردسیر که آبش از چشمه سارها و قنات‌ها تأمین می‌شد و ساکنان آن، افزون بر بافتن قالیچه و کرباس، با کشاورزی و برداشت غلات، میوه‌های صیفی و سیب زمینی و نیز تولید فنر آورده‌های دامی، روزگاری گذرانیدند. این قصبه که از دیرباز، با نام «نراق» شناخته می‌شده،<sup>۱</sup> زادگاه دو تن از فقیهان نامدار شیعه در عصر زندیه و قاجاریه است که این نوشته کوتاه، به شرح حالی گذرا از زندگانی آن‌ها می‌پردازد.

\*

### ۱. آخوند ملا محمد مهدی<sup>۲</sup> نراقی

شرح حال نگاران درباره سال‌های آغازین زندگی وی، چیزی نگفته، تنها به یادآوری این نکته بسنده کرده‌اند که وی در نراق به دنیا آمد و پدرش «ابوذر»، در سلسله مراتب دیوان حکومتی، پیشکار آن جا بود.

پیش از آن که به عتبات عالیات سفر کند، در ایران، نزد دانشمندان بزرگی چون میرزا محمد طیب اصفهانی، حاج شیخ محمد زمان کاشانی، ملا مهدی هرنندی و محمد اسماعیل مازندرانی (مشهور به ملا اسماعیل خاجویی)، شاگردی کرد.<sup>۳</sup> در آغاز تحصیل علم، بسیار تنگدست بود؛ به گونه‌ای که از

دست شویی سود می جست! عشق به فراگیری دانش، چنان در او نیرومند بود که از باز کردن و خواندن نامه هایی که از نراق می رسید- از بیم پریشانی خاطر و فقدان تمرکز حواس- خودداری می کرد؛ تا آن که پدرش به قتل رسید و او به فرمان استاد خود ملا اسماعیل خاجویی، ناچار شد به وطن خود برود و با شتاب و پس از تنها سه روز اقامت، باز گردد.

سپس، برای تکمیل معلومات خود و عمق بخشیدن به آن، به نجف اشرف و کربلای معلّرفت و در مجلس درس دانشمندان برجسته ای چون آقا وحید بهبهانی، شیخ یوسف بحرانی، محمدمهدی فتونی، محمدمهدی طباطبایی (بحرالعلوم)، محمدمهدی شهرستانی و شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء، حضور یافت.

پس از آن که از کسب دانش، آسوده خاطر شد، به کاشان بازگشت و به برکت حضور خود، آن جا را که از وجود دانشمندان، خالی شده بود، رونقی دوباره بخشید و مرجع مردم و ملجأ فضلا و فرهیختگانی شد که از هرسو، بدان شهر روی می آوردند.

آن جناب، جدا از آن که در دانش های متنوعی مانند اخلاق، فقه، اصول، فلسفه و علم اعداد و اشکال، جایگاهی والا داشت و شاگردان بزرگی چون سید محمدباقر موسوی شفتی (حجة الاسلام) و حاج محمدابراهیم کلباسی را پرورش داد، به نگارش کتاب هایی در موضوع علوم یاد شده، دست زد که از این میان، می توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱. معتمد الشیعه فی احکام الشریعه؛

۲. لوامع الاحکام فی فقه شریعه الاسلام؛<sup>۴</sup>

۳. التحفة الرضویة فی المسائل الدینیة؛

۴. التجرید فی اصول الفقه؛

۵. کتابی به زبان فارسی در اصول دین؛

۶. انیس التاجرین؛

۷. مشکلات العلوم؛

۸. جامع السعادات (در علم اخلاق)؛

۹. رساله ای در عبادات؛

۱۰. مناسک الحج؛

۱۱. رساله الحساب؛

۱۲. محرق القلوب<sup>۵</sup> (در مصائب اهل بیت (ع)).

این عالم فرزانه، سرانجام، در نجف اشرف، در سال

۱۲۰۹ هـ. ق، درگذشت و بدین ترتیب، در میان انبوه شاگردان آقا وحید بهبهانی، نخستین کسی به شمار می رود که پس از استاد خود، جان سپرده است.<sup>۶</sup>

آخوند ملا محمدمهدی، افزون بر تبحر در فقه و دیگر دانش ها، از طبع شعر نیز برخوردار بود و گاه گاه اشعاری هم می سرود که در این جا، چند بیت از یک غزل او را می آوریم:

ای خوش آن صبحدمی کاتب بُشرا رسدم  
نفحه روح قُدُس از دم عیسی رسدم  
بشکنند مرغ سماوی قفس ناسوتی  
اذن پرواز سوی عالم بالا رسدم  
برقع طبع به دور افکنم از چهره عقل  
از فضای جبروت اذن تماشا رسدم  
روح قُدسی گسلد بند طبیعت از پای  
رخصت سیر بر این گنبد خضرا رسدم

\*

۴. فرزند فقیهش حاج ملا احمد، در کتاب های خود- از جمله، مستند و هوالد- از این کتاب که نشانه فضل حاج ملا مهدی و تبحر او در انواع علوم است، بسیار نقل می کند.

۵. این کتاب، شامل خطبه های بلیغ و قصاید عربی فصیح و در عین حال، دربردارنده اخباری غیرقابل اعتماد، ضعیف و حتی مقطع الکذب است. همین نکته سبب شده، برخی از دانشمندان عصر قاجار، از نوشتن چنین اثری به دست آن عالم فرزانه، متعجب و متأسف شوند (ر. ک: میرزا محمد تنکابنی، پیشین، ص ۹۲ و ۱۳۳).

۶. درباره شرح زندگانی حاج ملا محمدمهدی نراقی، ر. ک: محسن امین، پیشین، ج ۳، ص ۱۸۳ و ج ۱۰، ص ۱۴۳ و ۱۶۷؛ محمداقبر موسوی خوانساری، پیشین، ص ۲۰۰؛ علی دوانی، پیشین؛ میرزا محمدعلی مدرس، پیشین، ص ۱۶۴؛ علی اکبر دهخدا، پیشین؛ میرزا محمد تنکابنی، همان، ص ۱۳۲؛ خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۷، ص ۳۱۳؛ شیخ عباس قمی، هدیه الاحباب، چاپ دوم، تهران، نشر امیرکبیر، ص ۲۰۱ و محمدرضا حکیمی، تاریخ العلماء عبر العصور المختلفة، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۳ق، ص ۵۹۱.

بود<sup>۹</sup> یاد کرده، در زمینه تأسیس و اتقان قواعد فقهیه و استدلال برای آن‌ها، منحصر به فردش دانسته‌اند.<sup>۱۰</sup>

وی در مناظرات علمی، بر دانشمندان بزرگ عصر خود، چیره می‌شد<sup>۱۱</sup> و فقیهان بزرگی چون آخوند ملا عبدالکریم ایروانی، نظریات فقهی او را بر اندیشه‌های دیگر فقهای آن زمان، برتری می‌دادند.<sup>۱۲</sup>

از وی آثار بسیاری و نیز نامدار در شاخه‌های گوناگون علمی، بر جای مانده که نام برخی از آن‌ها، بدین قرار است:

۱. شرحی بر کتاب تجرید الاصول (نوشته پدر آن بزرگوار) در چند جلد؛
۲. شرح کتابی از آن پدرش در علم حساب؛
۳. معراج السعاده؛<sup>۱۳</sup>
۴. مناهج الوصول الی علم الاصول در دو جلد؛<sup>۱۴</sup>
۵. عین الاصول که نخستین اثر مکتوب نویسنده آن است؛
۶. اساس الأحکام فی تنقیح عمد مسائل الاصول بالإحکام؛
۷. عوائد الاپام من قواعد الفقهاء الاعلام؛<sup>۱۵</sup>

۸. میرزا محمد تنکابنی، همان، ص ۱۳۱-۱۳۰.
۹. میرزا محمد تقی لسان‌الملک سپهر، *ناسخ التواریخ*، بی‌جا، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۳ ش، ج ۱، ص ۳۵۹.
۱۰. همان، ص ۳۵۸.
۱۱. میرزا محمد تنکابنی، پیشین، ص ۱۸۸.
۱۲. همان، ص ۳۱.
۱۳. همان، ص ۹۹. تنکابنی حتی اعتراف می‌کند، فقه و اصول وی بیش از آخوند ملا محمدباقر مجلسی بوده است (همان، ص ۲۰۵).
۱۴. وی این کتاب را به زبان فارسی و برای بیان خلاصه مطالب و غالب مقاصد کتاب پدرش (جامع السعادات) که به زبان عربی و مورد عنایت فتحعلی شاه قاجار بود، نگاشت. به گفته حاج ملا احمد، نگارش «معراج السعاده» به اشاره شاه یاد شده قاجاری-یا به گفته نویسنده آن، «سلطان بن سلطان» و «خاقان بن خاقان»- بوده است (ر. ک: حاج ملا احمد نراقی، پیشین، ص ۶۵).
۱۵. وی در این کتاب، ایراداتی را متوجه قوانین الاصول (نوشته میرزای قمی) کرده و میرزای مزبور نیز با نوشتن حواشی‌ای بارمز «منه»، به آن‌ها پاسخ داده است (ر. ک: میرزا محمد تنکابنی، پیشین، ص ۸۵ و ۱۸۲).
۱۶. این کتاب، مورد توجه دانشمندان قرار گرفت و کسانی چون شیخ مرتضی انصاری و تنکابنی، بر آن، حاشیه زده‌اند (ر. ک: همان، ص ۸۸ و ۱۰۷) و درباره آن گفته‌اند: «کتاب هوالله حاجی ملا احمد نراقی اگر چه دارای قواعد کلیه است، اما چند منقصت دارد: اول این که تفریع فروع آن کتاب کم است و چندان فروع ندارد. دوم این که جمیع قواعد را متعرض نشده، بلکه گویا دارای نصف قواعد کتاب هئوین است. سوم این که بسیار دقائق فلسفیه کرده و اکثر قواعد معروفه مسلمة را که موروثه از اسلاف اشراف فقهاست، به تدقیقات فلسفیه، از دلالت انداخته و از مذاق فقاقت و فهم عرفی، دور افتاده...» (همان، ص ۱۸۴).

## ۲. آخوند ملا احمد نراقی

وی در نراق، سال ۱۱۸۵ یا ۱۱۸۶ هـ. ق، در خانه پدر ارجمند و دانشمند خود آخوند ملا محمد مهدی نراقی، به دنیا آمد و در همان جا، در دامان تربیت پدر، نشو و نما یافت و مقدمات علوم را نزد او آموخت.

همچنین، دوبار-در سال‌های ۱۲۰۵ و ۱۲۱۲ هـ. ق که فتحعلی شاه قاجار به سلطنت رسید- برای زیارت ائمه عراق (ع)، به عتبات عالیات شتافت و در سفر نخست خود، مدتی کوتاه در کربلای معلّا، در محضر درس آقا وحید بهبهانی، حضور یافت و پس از درگذشت وی، اندکی از شاگردان آن جناب چون بحر العلوم، سید علی صاحب ریاض، استفاده‌های علمی برد. آخوند ملا احمد که مردی تنومند، با وقار و غیور بود، پس از درگذشت پدر دانشمند خود، به مرجعیت و ریاست دینی در کاشان رسید و به خاطر خوی شفقت و رحمتی که در ارتباط با توده‌های مردم و ضعیفان داشت، بارها برای دفع ستم و تعدی حاکمان آن سامان، با آن‌ها-و حتی با فتحعلی شاه قاجار- درگیر شد.<sup>۷</sup>

وی در سال ۱۲۴۱ هـ. ق، در مرحله دوم جنگ‌های ایران و روس که سه سال به درازا کشید و سرانجام، با شکست سپاه ایران، پایان گرفت، همراه آقا سید محمد مجاهد و دیگر فقیهان آن عصر، شرکت جست و چون آنان، فتواداد:

هرکس از جهاد با روسیان باز نشیند، از اطاعت یزدان سربرتافته، متابعت شیطان کرده باشد.<sup>۸</sup>

آن جناب به رغم آن که کم‌تر در مجلس درس دانشمندان و اساتید بزرگ عصر خود حضور یافت، دانشمندی برجسته، تربیت‌کننده شاگردان دانشوری چون شیخ مرتضی انصاری و آقا محمدعلی هزارجریبی و جامع اکثر دانش‌های عصر خود-به ویژه، فقه، اصول، نجوم و ریاضیات- شد و حتی از او به عنوان کسی که «از تمامت علمای اثناعشریه، فضیلتش بر زیادت

وان می که به دوست ره نماید  
آخر به کدام دین حرام است  
گفتیم بسی ز عشق و گفتند  
این قصه هنوز ناتمام است

۸. مفتاح الاحکام؛ ۱۶
۹. مشکلات العلوم؛
۱۰. مستند الشیعه؛ ۱۷
۱۱. کتابی به زبان فارسی در موضوع خوردنی ها و نوشیدنی ها؛

۱۶. کتابی است مختصر در علم اصول فقه، با حجمی بین هزار تا دو هزار سطر.  
۱۷. کتابی است مبسوط در علم فقه و شامل مباحث عبادات تاجح و بخشی از بیع و نیز اطعمه، اشربه، صید و ذباجه، بخشی از نکاح، قضا و شهادت و ارث. اثر یاد شده همراه استدلال و نکات دقیق و تحقیقات بسیار است.  
۱۸. در سده سیزدهم هجری، کشیشی انگلیسی به نام-یا با شهت- «پادری»، با لباس مبدل، در مجلس درس و در سلک شاگردان آخوند ملاعلی نوری، حضور یافت و سپس، کتابی در رد اسلام با طرح شبههاتی بدین منظور، نوشت. بسیاری از علمای ایران در مقام پاسخگویی برآمدند و کتاب هایی نوشتند که سه اثر در این میان، از دیگر آثار، مستحکم تر و متین ترند:

۱. مفتاح النبوه نوشته حاجی ملا رضا همدانی؛
  ۲. حجة الاسلام، نوشته آخوند ملاعلی نوری؛
  ۳. سیف الامه، نوشته ملا احمد نراقی.
- درباره این کتاب می خوانیم:
- «حاجی [ملا احمد نراقی] ده نفر از علمای یهود را نزد خود خواست و از کتاب خانه ملا موشه یهودی، کتب بسیار در لغت تورات و غیر آن، جمع کرده و مدتی با یهود گفت و گو داشته، پس این کتاب را نوشته و فقرات کتب انبیای سلف را به تفصیل نوشته» (ر. ک: میرزا محمد تنکابنی، پیشین، ص ۱۳۰).
۱۹. وی این مثنوی ها را به تقلید از سبک و سیاق مثنوی مولوی نوشته و آن را با حکایات و تمثیلات، آمیخته است.
  ۲۰. این کتاب به منزله کشکول و حدود پانزده هزار سطر است.
  ۲۱. درباره مشرب فقهی وی گفته اند: از آن جا که آن جناب، کم تر از نزدیک، درس فقهی عصر خویش را درک کرد و بیش تر به نوشته ها و کتاب ها مراجعه می کرد و به مدد فطانت و ذکاوت خود، تحقیقات و تدقیقاتی داشت، ذوق فقاقت آن جناب، دور از سلیقه جمهور فقها بوده است. (ر. ک: میرزا محمد تنکابنی، پیشین، ص ۱۳۲ و محسن امین، پیشین، ج ۳، ص ۱۸۴).
  ۲۲. میرزا محمد تنکابنی، همان، ص ۲۳، ۱۳۰ و ۱۳۲.
  ۲۳. درباره شرح زندگانی حاج ملا احمد نراقی، ر. ک: محسن امین، پیشین، ص ۱۸۳؛ محمدباقر موسوی خوانساری، پیشین، ج ۱، ص ۹۵؛ میرزا محمدعلی مدرس، پیشین، ص ۱۶۲؛ میرزا محمد تنکابنی، همان، ص ۱۲۹؛ خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۰؛ شیخ عباس قمی، پیشین، ص ۲۰۰؛ محمد معین، پیشین؛ علی اکبر دهخدا، پیشین و علی دوانی، پیشین، ص ۲۰۹ و ۲۲۷.

۱۲. رساله ای به زبان فارسی در موضوع عبادات؛
۱۳. سیف الامه؛ ۱۸
۱۴. کتابی در تفسیر؛
۱۵. رساله ای در اجتماع امر و نهی؛
۱۶. دیوان شعری بزرگ به فارسی؛
۱۷. کتابی شامل سروده های وی در قالب مثنوی به نام طاقدیس؛ ۱۹
۱۸. کتاب خزائن. ۲۰

آخوند ملا احمد به لحاظ مشرب ویژه ای که در تفقه و اجتهاد خود داشت و گاه فتاویی خلاف مشهور را تقویت می کرد،<sup>۲۱</sup> آرای فقهی شگفت آوری نیز داشت؛ مثلاً آب انگور را پس از غلیان و پیش از بخار شدن دو سوم حجم آن، پاک و نیز ملاک فرارسیدن وقت نماز مغرب را حدفاصل میان استتار قرص خورشید و ذهاب حمره مشرقیه می دانست.<sup>۲۲</sup>

آن جناب سرانجام، در کاشان، به دلیل ابتلا به بیماری وبای عام آن سامان، در ۲۳ ربیع الثانی یا ربیع الاول سال ۱۲۴۴ یا ۱۲۴۵ هـ. ق، درگذشت. پیکرش را به نجف اشرف بردند و در گوشه ای از صحن مطهر امام علی (ع) به خاک سپردند.<sup>۲۳</sup>

آن عالم فرزانه که به «صفایی» تخلص می کرد، اشعار عارفانه بسیاری سروده و ما این نوشتار کوتاه را با نقل غزل کوتاهی از آن جناب به پایان می رسانیم:

تا مغیجگان مقیم دیرند  
در دیر مغان مرا مقام است  
آن آیه که منع عشق دارد  
واعظ بنما به من کدام است